



یک‌شنبه۲۸ مرداد۱۳۹۷ • شماره۱۱۱۸

حدیث روز

امام محمد باقر(ع): با مردم نیکوتر از آن چه دوست دارید با شما سخن بگویند، سخن بگویند.

بحار الانوار

ذکر روز یک‌شنبه
صد مرتبه یا ذاالجلال والاکرام»

در محضر بزرگان

پایبندی به رفتار و اخلاق پسندیده و پرهیز از ناپسندی‌ها

آیت... سیستانی می‌فرمایند:

«راست گفت خداوند سبحان که فرمود: «و هر مصیبتی که به‌شمارسد به‌سبب دستاورد خود شماست و خدا از بسیاری می‌گذرد». بعضی از صفات پسندیده عبارت‌اند از محاسبه نفس، پاکدامنی در ظاهر و نگاه و رفتار، راستگویی، صله رحم، امانت‌داری، وفاداری به پیمان‌ها و تعهدات، استواری بر حق و پرهیز از رفتارهای پست و کردارهای ناروا.

و بعضی از صفات ناپسند عبارت‌اند از تعصب‌های ناپسند، واکنش‌های شتابان، سرگرمی‌های پست، خودنمایی در برابر مردم، اسراف به‌هنگام برخورداری، تعدی به‌هنگام فقر، نارضایتی در گرفتاری‌ها، بدرفتاری با دیگران به‌ویژه باضعیفان، هدر دادن سرمایه، کفران نعمت، پافشاری بر گناه، کمک به ظلم و ستم و تمایل به ستوده شدن بر کارهای نکرده.»

سایت رسمی آیت... سیستانی

بریده کتاب

قضایوت‌نکن

هر پرهیزکاری گذشته‌ای دارد و هر گناهکاری هم‌آینده‌ای پس‌قضایوت‌نکن. می‌دانم! اگر قضایوت نادرستی دربارہ کسی بکنم، دنیا تمام تلاشش را می‌کند تا مرا در شرایط او قرار دهد تا به من ثابت کند در تاریکی همه ما شبیه یکدیگریم. باید محتاط باشیم، در سرزنش و قضایوت کردن دیگران، وقتی‌نہ از دیروز او خبر داریم، نہ از فردای خودمان.

برگرفته از «شیاطین»، اثر داستایفسکی

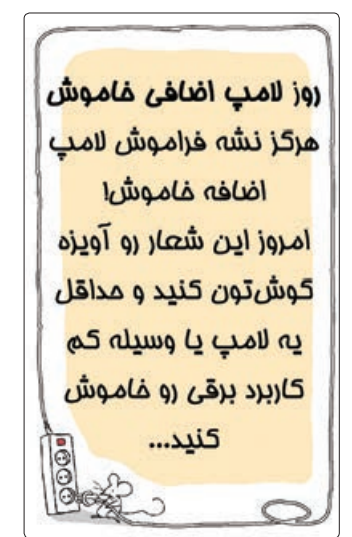
حکایت

سخن گفتن بهلول با مردم گان

زاهدی گفت روزی به گورستان رفتم و بهلول را در آن جا دیدم. پرسیدمش این‌جا چه می‌کنی؟ گفت: «با مردمانی همنشینی می‌کنم که آرام نمی‌دهند، اگر از عُقبی غافل شوم، یادآوری ام می‌کنند و اگر غایب شوم غیبتن نمی‌کنند!»

بر گرفته از «حکایت‌های بهلول دانا»

قرارمدار



اندکی صبر

دفتر

سحر خالقی

آیا سپیدار دفتر آگشتی؟
صفحه‌هایش را ورق‌زدی؟
آیا در این دفتر خاطرات خطی از من را خواندی؟
کاش من همان خطی‌بودم
که در بین ورق‌های خاک‌خورده
دفتر خاطراتی‌بودم
که هیچ‌گاه از سط‌پاچه‌پرنداشتی...

دنیا به روایت تصویر



گتی ایمیج| پرواز دادن کبوترهای سفید به مناسبت سالگرد پایان جنگ جهانی دوم، ژاپن

مناسبتی



حس خوب

گل‌دان سپاس



من‌توی‌به‌کترینگ (موسسه‌تأمین‌غذا و برگزاری مجالس) صندوقدار هستم. چندروز پیش ظهر به‌آقای با لباس باغبانی اومد و قیمت چلوکباب رو پرسید. جوابش رو دادم. بنده خدا داشت توی جیبش دنبال پول می‌گشت. دلم سوخت و یک فیش غذا با ماست و نوشابه با پول خودم براش زدم و گفتم برین غذا تون رو بگیرید. خیلی خوشحال شدو کلی تشکر کرد.

فردای اون روز وقتی رفتم سر کار دیدم سه‌تا گلدون شمعدونی که هر کدام گل‌های به‌رنگی داشت روی میزم بود. تعجب کردم. همکار اومد گفت اینارو صبح به‌آقای آورد که لباس کار تنش بودو گفت بدین به اون خانوم صندوقدار... این قدر خوشحال شدم و حس خوبی داشتم تا پایان روز که خدامی‌دونه.

از شما

مادر

مصطفی ستاری

غروب بود. باد لایه‌لای برگ‌های وزیدو صدای نسیم همه‌جا به‌گوش می‌رسید. پیرزن، تازه غروب خورشید را دیده بود و نمازش را خوانده بود. روی تخت کنار پسرش نشسته بود و به‌آب خروشان رودخانه‌ای که یک‌کم آن طرف‌تر در جریان بود، نگاه کرد و گفت: «راست می‌گی مادر! آدم باید مثل آب‌آزاد باشه. هر جا دلش خواست بره. و گر نه خسته میشه. چقدر درخت و کوه و دشت و دمن بیبینه. آدم که خسته شد، کم حرف میشه. لال میشه. مثل تو...»

بعد دستی‌روی‌انوی دردمندش کشید و ادامه داد: «من که می‌گم حق‌داری. شهر هم جای خوبیه. بابای خدا بیامرز می‌گفت... پیرزن دستش را بلند کرد و تنها قطره اشک چشمش را پاک کرد و ادامه داد: «می‌گفت دخترم! آدمه و آزاد ی. آدم‌آغه‌آزاد نباشه، بالاخره یه روز خسته میشه. کم حرف میشه. لال میشه.»

پیرزن سرش را به‌سمت راست چرخاند، پسرش را نگاه کرد و گفت: «گوش‌میدی چی میگم پسرم؟ تو هم آزادی‌بری شهر. برای خودت باشی» بعد دستش را دراز کرد و در قفس قناری را باز کرد و گفت: «فقط رفتی شهر به اون یکی پسرم بگو مادر! تو هم خسته شده. بیا مادر! تو رو ببر. هر کجا دوست داشتی. قبل از این که لال بشه.»

دیدنی‌ها

گاردین- عکاس ایتالیایی «ماسیمو لیستری» برای بازدید از برخی قدیمی‌ترین کتابخانه‌ها به سرتاسر جهان سفر می‌کند و در کتاب هنری «تاشن» یک گنجینه معماری منحصربه‌فرد و خیره

زیباترین کتابخانه‌های جهان

کننده‌ای را به تصویر می‌کشد. در زیر چند نمونه از عکس‌های زیباترین کتابخانه‌های جهان را با هم می‌بینیم:



کتابخانه آدمونت، اتریش

بزرگ‌ترین کتابخانه صومعه‌ای در جهان که در سال ۱۷۷۶ میلادی ساخته شده و به خاطر معماری و مجسمه‌هایش معروف است.

کتابخانه ماfera، پرتغال

این کتابخانه ۸۸ متر طول دارد و قفسه‌هایش حاوی بیش از ۲۶ هزار کتاب جلد چرمی است.

کتابخانه دابلین، ایرلند

بزرگ‌ترین کتابخانه ایرلند است که محل نگهداری نسخه‌خطی و تذهیب چهار انجیل عهد جدید است.

کتابخانه ناپل، ایتالیا

قدیمی‌ترین کتابخانه در ناپل است که از سال ۱۵۶۶ برای عموم باز شده است.

کتابخانه آمستردام، هلند

این مرکز که در سال ۱۸۸۵ تأسیس شد، بزرگ‌ترین کتابخانه عمومی پژوهش تاریخ هنر در هلند است.

کتابخانه پراگ، جمهوری چک

این کتابخانه دارای دو سالن بزرگ است که برای جلوگیری از صدمه دیدن نقاشی‌های دیواری بازدیدکنندگان مجاز نیستند به این سالن‌ها بروند.



ای‌ای‌پی| حراج گوسفندان در مرکز خرید و فروش احشام به دلیل خشکسالی، استرالیا

دور دنیا

مورد عجیب مرد ۲۵ ساله



آدیتنی سنترال- «توماس نادولسکی» پسر ۲۵ ساله لهستانی سال‌هاست که از بیماری نادر و بی‌رحمی رنج می‌برد. وقتی او فقط ۷ سالش بود، بیماری عجیبی زندگی را برایش چهنم کرد. او اصلاً نمی‌توانست چیزی بخورد، چرا که هر غذایی را بالا می‌آورد و درد وحشتناکی را در شکم و دست و پا تحمل می‌کرد. او به قدری لاغر شده بود که شبیه یک اسکلت متحرک شده بود. حالا او ۲۵ ساله است و تازه پزشکان متوجه شده‌اند که چه نقصی در سیستم ایمنی اوست. اما کشف آن‌ها هیچ فایده‌ای ندارد چرا که اولین نشانه از این بیماری در جهان است و هیچ راه درمانی ندارد. این پسر از ۱۲ سالگی دیگر رشد نکرده و با وجود ۲۵ سال سن، شبیه یک نوجوان ۱۲ ساله است.

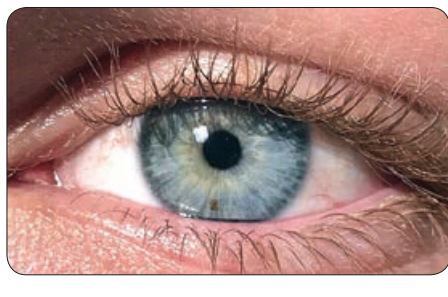
مرد میلیونی که آشغال‌های خیابان را جمع می‌کند!



آدیتی سنترال- یک تاجر موفق و ثروتمند چینی سال‌هاست که در اوقات فراغت، آشغال‌های ریخته‌شده در معابر عمومی را جمع‌آوری می‌کند. این کار آخرین ۵۲ ساله از سه‌سال پیش با دیدن استاد دانشگاهی که آشغال‌های خیابان‌ها را جمع می‌کرد، تصمیم گرفت

این کار را انجام دهد. خیابان‌های چین بسیار شلوغ و مملو از آشغال است چرا که فرهنگ آشغال نریختن در خیابان برای آن‌ها هنوز جانیفته‌است.

لنزهای ۲۸ ساله در پلک‌های زن



دیلی میل- یک زن ۴۲ ساله انگلیسی از ۲۸ سال پیش لنزهای تماسی چشمانش در پلک‌های مخفی شده بود، در حالی که او خودش خبر نداشت! او در تمام مدت فکر می‌کرد که لنزها را خارج کرده‌است اما لنزها در زیر پلک‌هایش قرار گرفته بود و باعث سوزش شدید چشم وی طی ۲۸ سال شده بود.

اینستاگردی

شیر بچه ایرانی



ابوالفضل جلیلی، کارگردان صاحب‌نام کشورمان چندروز پیش در صفحه اینستاگرامش زیر این عکس نوشت:

«امروز در صفحه آقای احمد بحری محیط بان، پستی دیدم که نوشته بود پسر بچه‌ای از استان سیستان و بلوچستان، ز «کریا» تمساحی را که در بر که خشک شده و بی‌بی منطقه باهو کلات مانده بود نجات و به مسئولان محیط زیست تحویل داده. آن قدر احساس غرور کردم که باخودم گفتم اگر کاره‌ای بودم از همین الان این بچه را تحت حمایت دولتی قرار می‌دادم تا روزی که بتواند وزیر محیط زیست کشور شود. بچه‌ای که در این سن و سال دست به چنین کاری بزند، از نادر در روزگار خواهد بود. و به آن بزرگانی که طی این سال‌ها مرتکب خیانت و اختلاس شدند می‌خواهم بگویم که شما حق این بچه‌های معصوم را می‌خورید. بچه‌هایی که اگر نان ندارند، آب ندارند، هواندارند، هیچ ندارند... در عوض دلبری، ایمان و شرف دارند. تازه این شیر بچه بلوچ ندندان هم ندارد. ایران به این شیر بچگانش می‌نازد.»



فرانس پرس| آماده‌سازی صدها ساندویچ هات داگ برای ثبت رکورد طولانی‌ترین ساندویچ در گیش، مکزیک

تفال

غمناک نباید بود؛ از طعن حسودای دل‌هره‌وکنند فهمی‌زین کلک خیال‌انگیز

خودمونی

برخورد نزدیک با آخرین بازماندگان وظیفه‌شناسی

الهه توانا روزنامه‌نگار

حضور ی، چند جمله کلیدی و ضروری را بارها و بارها تکرار می‌کند بدون آن که خم به ابرو بیاورد. پز شک‌معالجم، در ادب و حوصله بین همکارانش (آن‌هایی که من می‌شناسم) نظیر ندارم؛ موقع توضیح دادن‌علامیم و دردی که عاصی‌ات کرده مدام سر تکان نمی‌دهد که یعنی «من روزی هزار تا آدم مثل تو می‌بینم، ناله نکن، برو سر اصل مطلب»؛ موقع تجویز و نسخه‌پیچی، با نگاه از بالا به پایین تهدید نمی‌کند که اگر از فرمانم سر بیچی، چنین و چنان می‌شود. درست و دقیق نگاه می‌کند، گوش می‌دهد، درک می‌کند. از هر چه دکتر و دوا بیزارت نمی‌کند، به‌خاطر دردی که ممکن است هر کسی را دچار کند، بهت احساس گناه و عذاب وجدان نمی‌دهد، کارت‌خوان عطش به‌طرز عجیبی فعال است و همه اعضای تیمش در آن ساختمان جادویی، باوجدان وظیفه‌شناس‌اند؛ «وظیفه!» چیزی که آدم‌ها مکلف به انجام دادنش هستند ولی این روزها گهر نایابی است؛ آن‌قدر که وقتی تصادف‌نورش به چشمت می‌خورد، متعجب و نایاور با چشم‌های گردشده خود را توی آینه پیدا می‌کنی تا مطمئن شوی نمرده‌ای و توی همین دنیا، آدم وظیفه‌شناس با اخلاق از نزدیک دیده‌ای!

کاریکلماتور

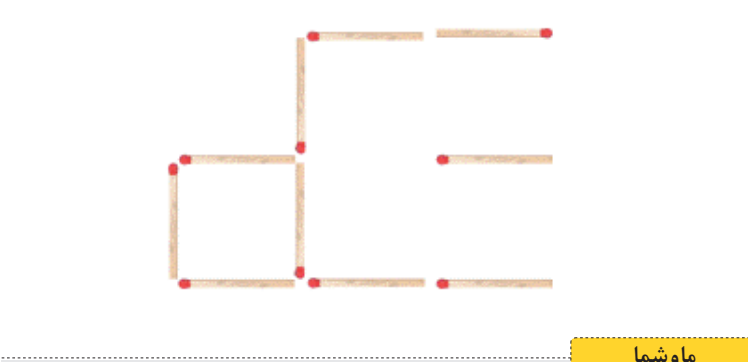


آزمون‌هوش

بازی با چوب کبریت

با حرکت ۳ چوب کبریت، ۲ مربع بسازید!

پاسخ در صفحه خانواده و مشاوره



ماوشما

راه‌های ارتباطی ما: پیامک ۰۹۹۹۲۰۰۰ و ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ در تلگرام

* روزها و شب‌ها همه‌جا به دنبال تو گشتم به امید دیدن روی گلت مادر، یاد تو و عشق بغل کردن‌تو، با حسرت در به‌در به دنبال تو گشتم مادر!
* آق‌کمال؛ شغل اصلیت که از توش خرجی زندگی‌تان‌ره در میارن چیه؟!
* آق‌کمال: نگاه کن! معلومه وقت نمکمن، یک شرکت ساختمونی درم که بگم شرکت درم و سرمان گرم باشه و بقیه بهمان گیرندن که بیکارن!
* من خیلی دوست دارم قرآن حفظ کنم، میشه یک پرونده زندگی سلام رو به این موضوع اختصاص بدین که روش حفظ قرآن، احادیث و فواید حفظ قرآن، مصاحبه با استادان حفظ قرآن و حافظان قرآن، روش

